

متن پرسش

جناب استاد طاهرزاده سلام علیکم: با عرض معذرت از مزاحمت ایجاد شده. یک پرسش معرفی داشتم که با توصیه دوستان تصمیم گرفتم با شما در میان بگذارم. مدتی قبل به این فکر می کردم که آیا آنچه در کتب علمای شیعه از صدر اسلام و درباره شخصیت‌های آن موقع نقل شده است قابل اعتماد است یا نه؟ آیا احادیثی که از ائمه نقل می کنند صحیح است یا نه؟ می توان درباره پاسخ این سوال مدتها بحث انتزاعی کرد. اما اگر به طور عینی نگاه کنیم قضیه فرق می کند. کارگری به نام رضا شهابی مدتهاست که به جرم فعالیت برای احقاق حقوق کارگران در زندان است و اخیرا رئیس قوه قضاییه بدون هیچ سندی گفته اند وی جاسوس سازمان منافقین است. وقتی الان در این دنیای اطلاع رسانی یک مجتهد چنین نسبت دروغی را به یک کارگر نسبت می دهد چه طور باور کنیم که مجتهدین هزار سال قبل به دروغ عمر و ابوبکر و عثمان را بدنام نکرده اند؟ وقتی تمام علمای عظام و صدا و سیما و کل نظام یک شبه از آیت الله هاشمی یک قدیس ساختند چه طور باور کنیم علمای هزار سال قبل بدون دروغ تاریخ را نگاشته اند؟ در قضیه آقای رحیم مشایی و احمدی نژاد هم شاهد بودیم به دلایل واهی و با پروپاگاندا همه رسانه ها ایشان را منحرف و دزد و ... خواندند و هیچ مرجع تقلیدی هم اعتراضی نکرد بلکه گاه همراهی هم کردند. از کجا معلوم که شیخ مفید و سید مرتضی هم همین گونه تاریخ را تحریف نکرده باشند؟ خود شما در پرسش و پاسخ با دوستان دیگر بارها گفته اید برخورد دستگاه قضا با آقای احمدی نژاد کینه توزانه و غیرمنصفانه است. اگر مجتهدین راس این قوه چنین رفتار ناعادلانه ای دارند چرا فرض نکنیم علمای سابق این گونه نبوده باشند و به مدد پروپاگاندا اسم خویش را نیک جا نزده باشند؟ وقتی در جهان معاصر با این همه اطلاع رسانی چنین حجمی از دروغ گویی و کتمان حقیقت توسط افراد منتسب به دین انجام می شود چرا فرض نکنیم سابقا هم همین طور بوده است؟ وقتی رئیس قوه قضا که منتسب به بیت یکی از مراجع حاضر است این همه دروغ در مورد عدالت خواهان ایران می گوید و آن مرجع تقلید فقط به فکر تعطیل کردن روز شهادت حضرت زهرا (س) است چرا فکر نکنیم که ایشان هم همدست رئیس قوه اند؟ از اموال این کشور مبلغی ناچیز به عنوان یارانه به حساب مردم واریز می شود که گویا یکی از مراجع کمر بسته تا آن را هم از ما دریغ کند. وقتی مرجع فعلی حرفی از املاک و حقوق نجومی نمی زند و هم و دغدغه اش فقط یارانه است و شما هم ظاهرا هیچ سخنی در این باره ندارید بر چه اساس من باور کنم که شیخ طوسی و مفید دنبال عدالت اجتماعی بوده اند؟ اخیرا آقای میلانی در نقد کتاب جدید آقای بیژن عبدالکریمی مطلبی عنوان کرده بودند سراسر پر از توهین و ایشان را از نوادگان قاتلین کربلا دانسته بودند. وقتی در حوزه امروز با

این همه وسیله ارتباطی کسی چنین مزخرفاتی را به نام نقد می گوید و هیچ مرجعی اعتراض نمی کند و اخلاق حسنه نبوی را یادآوری نمی کند چه طور انتظار دارید ما باور کنیم علمای سلف این آقا ملتزم به اخلاق دینی بوده اند؟ به عبارت بهتر رفتار امروز علمای شیعه این پرسش را ایجاد کرده که شاید اسلاف علما هم مانند اینها بوده اند و ما تاکنون بی خود به آنها ظن نیک داشته ایم. اگر در این فقره من را کمک کنید متشکر می شوم. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این موارد کمی حوصله کنید. آن بزرگانی که در تاریخ ماندند آن قدر پاکی و صفا و صداقت از خود نشان دادند که مردم دلدادگی آنها شدند و به مدعیان غیر صادق پشت کردند. مطمئن باشید اگر کسی در این تاریخ وظیفه خود را انجام ندهد چیزی نمی گذرد که مردم به آنها پشت می کنند و پس از چندی هیچ نامی از آنها در میان نیست. موفق باشید